



رویتزر- تمرین برای اجرای کار ناوال، برزیل



یاهو- توله کرگدن ۲ هفته‌ای در کنار مادرش، انگلستان



ای پی ای- بر خورد دو بازیکن هاکی روی یخ در المپیک زمستانی کره جنوبی

دنیایه روایت تصویر

در محضر بزرگان

اسرار نماز

آیت ... جوادی آملی می فرمایند:

«وقتی نماز می خوانید با قلب متوجه خداوند سبحان باشید. انسان وقتی در نماز می تواند قلب را مهار کند که چشم و گوش را بیرون از نماز مهار کرده باشد. اگر در بیرون نماز و در حالت عادی چشم انسان و گوش وی، پله و رها باشد، آن خاطرات ذخیره شده و در هنگام نماز مزاحم انسان می شود. ولی اگر در بیرون نماز، چشم و گوش را حفظ کرد، در نماز دشمن درونی هجوم نمی آورد. مهم آن است که انسان در بیرون نماز خود را حفظ کند.»

پایگاه اطلاع رسانی حوزه

فتو ترانه



غلط نویسیم

شانس: بخت، احتمال

این کلمه که از زبان فرانسه گرفته شده است در پارسی به معنای «بخت»، «اقبال» و «خوشبختی» است. مثال: «با کمی شانس می توانست در این امتحان موفق بشود.» اما این کلمه در زبان فرانسه و انگلیسی به معنای «احتمال» و «امکان» نیز هست. ولی عده ای از مترجمان می گوشتند تا این معنی را بی توجه به معنای رایج کلمه وارد زبان پارسی کنند. مثال: «شانس کمی هست که این درخواست پذیرفته شود.» که کاملاً غلط است و به جای آن باید گفته شود: «احتمال کمی هست که این درخواست پذیرفته شود.

این ترجمه غلط گاهی به ایراد جمله های نامفهوم یا مضحکی می انجامد. مثال: «کسانی که با غذای خود میوه و سبزی تازه مصرف می کنند شانس کمی در مبتلا شدن به سرطان دارند.» مسلماً مبتلا شدن به سرطان شانس نیست بلکه بدشانسی است!

برگرفته از: غلط نویسیم، اثر ابوالحسن نجفی

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا اتاری، تصویر ساز: سعید مرادی



صورت باش

امپراتوری ها یک شبه ساخته نشده اند

اندک صبر

آرامش صدای پدر

نزدیک ترین صدا برای من

صدای خودم بود

هنگام گریه کردن

در میان خواب های کودکی ام

صدایی که

با تمامی صلابت صدای پدر می گفت:

آرام باش پسر

مرد که گریه نمی کند

لرزش آژرم

زنده بودن پس از ۷ سال



آدیتی سنترال- زوجی روسی بعد از هفت سال از تولد فرزند مرده شان، متوجه شدند که او زنده بوده و در تمام این سال ها در یتیم خانه بزرگ شده است!

زن جوان وقتی در بیمارستان زایمان کرد، پزشکان به او گفتند که فرزندش تنها یک هفته زنده می ماند و بعد از یک هفته به او اعلام کردند که فرزندش در دستگاه بیمارستان مرده است. اما بعد از هفت سال، تمام حساب های بانکی این زوج بسته شد و دولت دلیل آن را بدی چهار هزار دلاری این زوج به یک یتیم خانه که در این سال ها فرزند آن ها را نگهداری کرده بود، بیان کرد! این زوج بخت برگشته بعد از هفت سال متوجه شدند که فرزند شان در تمام این سال ها دور از آن ها زندگی کرده است. بیمارستان هم علت این کار را یک اشتباه اداری ذکر کرده است و والدین از بیمارستان به دلیل این سهل انگاری فاجعه بار شکایت کرده اند.

تنهاترین درخت دنیا!



دیلی میل- طبق اسناد و مدارک کتاب رکورد های گینس، «سپیره سیگنا» درختی در جنوبی ترین جزیره نیوزیلند، تنها ترین درخت دنیاست!

این درخت تنها، در دور افتاده ترین نقطه نیاست و نزدیک ترین درخت به او حدود ۲۰۰ کیلومتر فاصله دارد و در جزیره دیگری است. جزیره کمپیل در حدود ۷۰۰ کیلومتری جنوب یلف واقع شده است که یکی از بدترین آب و هواهای جهان را دارد. تقریباً در تمام طول سال در معرض بادهای قوی و به جز ۴ روز، همه روزها بارانی است. کمتر از ۶۰۰ ساعت در کل سال، این جزیره آفتابی می شود و هیچ کس در این جزیره نمی تواند زندگی کند.

جمع آوری داوطلبانه سیگار از کف خیابان های شهر



آدیتی سنترال- «سالی داوولی» زنی که به صورت داوطلبانه سه سال و نیم است سیگارهای کشیده شده را از روی زمین شهر جمع آوری می کند، به

ر کورد عجیبی دست یافت! او که تمام اوقات فراغت اش را صرف جمع آوری سیگار از کف خیابان های شهری در کالیفرنیا، کرده است توانست یک میلیون سیگار را از شهر پاک سازی کند. او علاوه بر جمع کردن ته سیگار، گرد و غبار خیابان ها را با خیس کردن و جارو کشیدن می گیرد و می گوید تمیز کردن خیابان های شهرش برایش لذت بخش است.

گزارش های يك مریخی

گزارش شماره بیست و هشتم: سینما که می گفتند این بود؟

من یک مریخی هستم که به زمین آمده ام. ما آن جا سردمان بود و تصمیم گرفتیم وضعیت زمین و زمینی ها را برای سکونت بررسی کنیم. گزارش های دنیاه دار من در این مأموریت را این جا می خوانید. زمینی ها یک چیزی دارند به اسم سینما که می روند تویش دو ساعت می نشینند، تخمه و تنقالات می خوردن و زل می زنند به پرده ای که رویش فیلم پخش می شود. یعنی تصاویر متحرکی که در اندازه بزرگ نمایش داده می شود و آدم را سر گرم می کند. این هفته قرار شد من و ناهید برویم با هم سینما فیلم ببینیم و موقع تماشا کردن با روحیات یکدیگر بیشتر آشنا شویم. بنابراین به پنهان سپردم که بلیت یک فیلم خوب را برای مان بگیرد تا مهر بین من و ناهید بیشتر شود و با هم آفق های روشنی را در مقابل خردمان ببینیم.

پنهان دو تا بلیت برایمان گرفت و گفت: «پرید این فیلم رو ببینید عالیه! ده تا خرس و سیمرغ و بوقلمون برنده شده» بنابراین من و ناهید با خودمان پنج شش کیلو پاپ کورن و چیپس و تخمه و سبب زمینی سرخ کرده و سبب زمینی آب پز و جوجه و نوشابه بردیم سالن تا هم فیلم ببینیم، هم خوش بگذرانیم. فقط نمی دانم چرا نفرات عقبی معترض بودند که نمی توانند از پشت کوه تنقالات ما جلویشان را ببینند و می گفتند ما سینما را با رستوران اشتباه گرفته ایم.

فیلم که شروع شد یک جوان لاغر معتاد در حالی که زیرپوش تنش بود شروع کرد به داد و فریاد کردن و دوفر از راه رسیدند تا می خورد این را زدند. بعد پیرزنی آفتابه به دست از توی توالت بیرون آمد و زد توی سر جوان لاغر و گفت: «خاک تو سر بیکار معتادت کن!». در ادامه دعوا مردی میان سال با موتور درب و داغانش آمد توی حیاط و در جواب سوال زنش که پرسید چه خبر؟ گفت: «بدبختی، آلودگی، بیکاری» بعد جوان لاغر گفت: «من می رم!» و رفت توی توالت و در حالی که همه پشت در منتظر بودیم بیرون بیاید، فیلم با یک پایان باز تمام شد و همه تماشاچی ها از هم پرسیدند: «یعنی بالاخره بیرون میاد یا نمیداد؟» سوال من این است که خود زمینی ها اذیت نمی شوند از این همه تصاویر چر کی بی معنی؟

با تشکر، مامور سینما دیده شما، بهرام ۶۲۵. پایان گزارش بیست و هشتم / محمد علی محمدپور



سه نقطه



شعر طنز

تبلیغات خوشحال!

هر طرف از دحام تبلیغات مثل گنجشک بی پناهم که تازگی ها شود چنین آغاز آن چنان با کلاس! و جذابند حرف های عجیب می بینی کشور ما شود مدام اول با چنین وضعیت کنم آخر

مسابقه چی میگه؟

یو ها ها ها... من فیلم!



سلام. با یک مسابقه «چی میگه» دیگه در خدمتتونیم. این بار هم باید بگین یکی از افراد تو این عکس چی میگه. فراموش نکنید که فقط برای یکی از شخصیت ها باید جمله بنویسین، نه گفت وگوی بین دو نفر. خودمون هم قبول داریم که این عکس سختیه، ببینیم چه می کنید، فراموش نکنید پیامک های بدون اسم، بی نمک و کلیشه ای در مسابقه شرکت داده نمی شن. **داواری مسابقه:** باید جمله بامزه تون برای این عکس رو تا ساعت ۲۴ امشب (یک شنبه) برای ما به پیامک ۲۰۰۹۹۹۹ یا تلگرام ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید. در ابتدای هر پیامک، نام ستون «چی میگه؟» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو حتما بنویسید. بانمک ترین و خلاقانه ترین جمله های فرستاده شده، روز سه شنبه به اسم خود نویسنده ها چاپ می شه، همیشه خوش باشید. اما چند مثال:

* از پس این روزها مامانم جارو برقی داده دستم، دست هام مثل خرطوم می جارو شده!

* دارم برای نمایش فیلم در تاریکی تمرین می کنم!

* یا در مصرف آب صرفه جویی کن، یا با همین لوله های خالی از آب می زنم تو سرت!

کافی خونه

به محض این که معاون وزارت بهداشت گفت: «قهوه خانه ها باید تغییر رویکرد بدهند تا با حذف قلیان کار آن ها نیز تعطیل نشود» موجی از حسرت و حیرت اهالی قهوه خانه های سراسر کشور را فرا گرفت. حسرت از این که دیگر کجا بروند قلیان معطر و معسل و سنتی بشکند و دودش را به چشم و چال خودشان و اطرافیان شان فوت کنند. و حیرت از این که از این به بعد برویم قهوه خانه قلیان نکشیم، پس چه کار کنیم، بسته بخوریم؟ آقای معاون در ادامه صحبت خود توضیح داده است که: «قهوه خانه ها به عرضه و مصرف مواد مجاز مانند غذای و تنقالات مجاز و مورد تایید بپردازند و جذابیت کارشان را صرفاً بر مبنای قلیان قرار ندهند.» با این ادامه، آن موج حسرت و حیرت از بین رفت و جایش را به شادی و سرور داد که گویا واقعاً باید برویم قهوه خانه و با جذابیت بسته بخوریم. هرچند «غذا و تنقالات مجاز و مورد تایید» خودش جای بحث دارد که اصلاً مگر چیز سالمی پیدا می شود که بخوریم؟ به هر حال در همین زمینه طبق معمول پیشنهادی داریم که بدون چشمداشت و فقط برای کارراه اندازی تقدیم می کنیم:

قهوه خانه ها را تبدیل به کافی شاپ و قست فود کنند. به این صورت که در آن جا به جای چای قندپهلو در استکان کمر باربک و قلیان دو سبب تنعاع و املت با پیاز، قهوه اسپرسو دوبل بدهند با پای سیب و آب پرتقال یا تکه های پالپ. یک قسمت وی ای بی هم بگذارند برای کسانی که می خواهند پیپ دود کنند. به جای موسیقی سنتی، هم موسیقی صنعتی پخش کنند. برای جبران آن دود همیشه موجود در فضای قهوه خانه ها هم یک دستگاه دودساز بگذارند تا مراجعان احساس دلتنگی نکنند. برای این که از نظر مالی هم مشکلی برای قهوه خانه دارها پیش نیاید، جلوی قیمت های قبلی شان یک صفر اضافه کنند تا از نظر جذابیت مد نظر آقای معاون و صاحبان قهوه خانه ها هم مشکل حل شود. اصلاً اگر فقط دقت کنیم اسم اش قهوه خانه است، نه قلیونخانه.

پخش این وسط یک سری مسائل جزئی باقی می ماند مثل تیپ و شخصیت افرادی که قبلاً به قهوه خانه می رفتند و الان مجبورند به کافی شاپ بروند، که کب آن هم راه حل اش ساده است. یا آن ها خودشان را با فضای گنگولی جدید مطابقت می دهند، یا فضای جدید خودش را با تیپ داش

علیرضا کاردار

تاحالا دقت کردین



ماوشما

شماره پیامک: ۳۰۰۰۹۹۹

* پنج شنبه چرا فتونکنه نداشتین؟ لطفا فتونکنه رو حذف نکنید. من هر هفته فتونکنه و فتوشعر رو از روزنامه جدا می کنم و نگه می دارم. **سیده محدثه حسینی نژاد**

ما و شما: فتونکنه، فتوشعر و دیگر مطالب به طور چرخشی و

نوبتی در صفحه چاپ می شوند.

* آق کمال: در این روز و شب های عید، اوضاع کار و کاسبی ات چطور؟ امیدوارم کساد نباشه!

آق کمال: کار ما که شب عید و غیر عید ندرد، خدا کنه کار بدین به من، زیر دست و پا همدیگه رو له و لورده می کریم

اش نشنه

* دل من؛ هر چه غلط بود، فراوان کردی...

* **مسهود مجنونپور**

* دبستان که بودیم وقتی معلم مون می گفت «به خودکار

بذین به من» زیر دست و پا همدیگه رو له و لورده می کریم تا زودتر برسیم و معلم خودکار ما رو بگیره. یادش بخیر.

احمد آقاوغلی قوچان

* در بین آدم ها فقط اندکی معنای باران را می فهمند، مابقی فقط خیس می شوند.

سیحان باغچقی